

واکاوی ابعاد «توسعه» و «توسعه نیافتگی» دولت‌ها در علم اقتصاد و مصادر اسلامی

المیرا ربیبی، دانشجو دکتری دانشگاه مازندران.

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم
سال چهاردهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۵۵-۷۲
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۲۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹

چکیده

«توسعه» دارای ابعاد گوناگونی است؛ ابعاد توسعه شامل تمامی بخش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌باشد. از این حیث، در علم اقتصاد تفاوت مفهومی با مقوله «رشد» دارد. بنابراین برای پیشرفت همه‌جانبه جوامع، لازم است به توسعه با این معنای جامع اهتمام شود. در این میان، دولت‌ها که اصلی‌ترین نقش را در توسعه ایفا می‌کنند، در کشورهای مختلف با نواقصی روبه‌رو هستند؛ چرا که تعریف آنها از توسعه دارای کاستی است. مثلاً در دول غربی به رشد اقتصادی به جای توسعه پرداخته شده است و در ایران نیز، نیل به توسعه هنوز محقق نشده است. برای تحقق توسعه مطلوب، به بررسی ابعاد «توسعه نیافتگی» پرداخته و «فقر» و «اتلاف منابع»، به‌ویژه اتلاف منابع انسانی بررسی شده است. این تحقیق با رویکرد بین‌رشته‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی به آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه در زمینه توسعه نیافتگی پرداخته است. آیات قرآن و عبارات امیرالمؤمنین (ع) بر دوری‌گزینی از فقر فردی و اجتماعی و بهره‌وری درست و کامل از تمامی منابع به‌عنوان نعمات و مواهب الهی دلالت دارد که این خود موجب تحقق «توسعه» می‌شود. در این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: توسعه، توسعه نیافتگی، علم اقتصاد، قرآن کریم، نهج‌البلاغه.

مقدمه

انسان با درک و شناخت علمی قوانین حاکم بر پدیده‌های جامعه، راه تکامل خود و جامعه را هموار می‌سازد. عامل انسانی عنصر اساسی تحول و تکامل است (گلابی، ۱۳۷۰، ص ۱۵). این انسان‌ها هستند که نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سایر نظامات را تشکیل می‌دهند؛ و «هیچ نظام اقتصادی، سیاسی و یا فکری در متن و بطن زندگی اجتماعی باقی نمی‌ماند مگر آن که همراه با تغییر موقعیت‌ها و اوضاع و احوال جامعه، متحول گردد» (حییبی، ۱۳۷۰، ص ۷). تحول و توسعه، دو روی یک سکه‌اند؛ بنابراین بررسی معنا و مفهوم توسعه و پیشرفت، که عامل بقای نظامات در جوامع بشری و تحول انسان و پیشرفت وی هم‌زمان با تغییرات محیط و زمانه است، امری بسیار مهم می‌باشد.

در این میان، اصلی‌ترین نقش مؤثر در توسعه را دولت‌ها ایفا می‌کنند؛ چرا که سرمایه‌های مادی و معنوی، به‌خصوص سرمایه نیروی انسانی، در اختیار دولت‌هاست (رکیبی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۲). توسعه، حجم وسیعی از ادبیات علمی را به خود اختصاص داده است. حقیقتاً پرداختن به تمامی نظرات اهل فن کاری بسیار دشوار است و البته نیاز این تحقیق به این میزان از وسعت مطالب نمی‌باشد؛ لذا تلاش شده که بحثی جامع و رسا به‌صورت کوتاه و دلالت‌آور در خصوص توسعه و مفهوم مقابل آن یعنی توسعه‌نیافتگی، در قالب فقر - که از تلف شدن منابع و سرمایه‌های ملی ایجاد می‌گردد - ارائه شود؛ چرا که از پر دامنه‌ترین کارکردهای دولت همین مبحث می‌باشد (همان).

از طرفی، قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت برای تمام جوامع بشری، آموزه‌های بسیار ارزشمندی در زمینه توسعه همه‌جانبه دارد که نباید از آن غافل ماند. و از جانب دیگر، امیرالمؤمنین (ع) به‌عنوان قرآن ناطق و عدل قرآن، فرامین و توصیه‌های ذی‌قیمتی در خصوص توسعه و دوری‌گزینی از پیامدهای توسعه‌نیافتگی ایراد فرموده است که نمی‌توان از آن غفلت کرد (برای اطلاعات بیشتر نک: موسوی لاری، ۱۳۸۷؛ معرفت، ۱۳۹۰؛ جوادی آملی، ۱۳۷۹؛ بیستونی، ۱۳۸۴؛ حسینی میلانی، ۱۳۸۷؛ سالاریه، ۱۳۸۹؛ محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۵). فلذا هم‌زمان با کاوش نظرات اندیشمندان علوم رایج و مدرن، غور در معارف قرآنی و کلمات مفسر آن یعنی امام علی (ع) یقیناً لازم می‌نماید.

با توجه به اهمیت مبحث «توسعه» و تفاوت آن با «رشد اقتصادی»، به طرح این دو موضوع پرداخته می‌شود و سپس وضعیت کشورهای مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با توجه به معارف قرآن و نهج‌البلاغه و نیز به دلیل اینکه کشور ما ایران، بعد از انقلاب اسلامی، حکومت و دولت آن بر پایه دین توحیدی اسلام تغییر مسیر داد، لازم است با استناد به معارف قرآن و نهج‌البلاغه در راستای شناخت توسعه‌نیافتگی و برای توسعه‌یافتگی بهتر جامعه و از باب «تعرف الاشياء باضدادها»، راهی

روشن به روی دولت و صاحب‌نظران توسعه نمایان شود.

۱. پیشینه

تحقیقات مرتبط با «توسعه» بسیار متعدد است و با نگرش‌های گوناگونی همچون اقتصاد، مدیریت منابع انسانی، علوم اجتماعی، جغرافیا، علوم اسلامی و مباحث مربوط به کارآمدی و مشروعیت دولت‌ها به بررسی و تحلیل توسعه و توسعه‌نیافتگی پرداخته‌اند. در جدول ذیل عصاره‌ای از این تحقیقات آمده است

جدول ۱: پیشینه پژوهش‌های محور «توسعه»

موضوع	نویسندگان	دلالت‌های به دست آمده
ارتباط بروکراسی و اقتصاد	کریمی پنا‌نار و همکاران (۱۳۹۴)	نقش اصلی دولت‌ها بر رشد اقتصادی و توسعه ملی با بررسی مخارج دولت و تولید ناخالص داخلی و میزان یکبارگی
بررسی ارتباط منابع انسانی با رشد اقتصادی و اندازه دولت	سوری و کیهانی حکمت (۱۳۸۳)	اثر اندازه مطلوب دولت بر رشد اقتصادی و نیز تأثیر دولت از کیفیت و جوانی منابع انسانی بر نرخ رشد اقتصادی
ارتباط عکس دیوانسالاری با توسعه اجتماعی و اقتصادی	جمشیدیان و همکاران (۱۳۸۰)	اصلاح ساختار نظام اداری و دولت به جهت توسعه اجتماعی - اقتصادی
دیدگاه‌های نظام اداری و توسعه	اشتریان و همکاران (۱۳۹۷)	نگاه‌های بلندمدت و میان مدت و کوتاه مدت به سازماندهی عوامل زمینه‌ساز توسعه و تخصیص منابع
سرمایه‌گذاری دولت در منابع انسانی	افشاری و همکاران (۱۳۹۱)	اندازه دولت و اثر آن در میزان هزینه‌کرد توسعه یافتگی به ویژه شاخص سرمایه انسانی
کارآمدی فقرزدایی در فرهنگ اقتصادی اسلام	اصغری (۱۳۸۰)	باور اسلام به فقرزدایی بر خلاف باور نظام سرمایه‌داری به آن از روی اضطرار و ثبات خود
راهکارهای قرآنی پیشرفت و اشتغال	نادعلی (۱۳۹۶)	طرح برنامه‌های قرآن برای رونق تولید و اشتغال و پیشرفت با بهره‌گیری هدفمند از ذخایر طبیعی و سرمایه‌های داخلی
تبیین توسعه و توسعه نیافتگی	سیف‌اللهی (۱۳۷۰)	اختلاف توسعه زائیده عوارض مشکل‌زای اجتماعی و منشأ ساخت‌های جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است
رشد و توسعه انسانی	دیالمه و برادران حقیر (۱۳۸۹)	رشد و توسعه انسان در جوامع و بررسی اندیشه‌های غربی و روایات
ارتباط امنیت، رشد و توسعه اقتصادی در اسلام	اخلاقی (۱۳۹۸)	بررسی ارتباط و تأثیر دو مقوله امنیت، رشد و توسعه با بررسی روایات و آیات دال بر امنیت

در میان مقالات یادشده، اخلاقی و نادعلی توسعه را از منظر منابع اسلامی - قرآن و روایات - بررسی کرده‌اند و دیالمه و برادران، توسعه‌ی انسانی را با قیاس نظرات متفکران غربی و احادیث معصومان (ع) به نگارش درآورده‌اند. کریمی و همکاران، سوری و کیهانی، جمشیدیان و همکاران، افشاری و همکاران توسعه را با نگاه به اندازه‌ی دولت‌ها مورد پژوهش قرار داده‌اند. سیف‌اللهی نیز به تفاوت ساختارها به دلیل اختلاف در نگرش به توسعه پرداخته و اصغری و افشاریان، نظام مالی دولت‌ها را در مقوله‌ی توسعه بررسی کرده‌اند. در این زمینه، نوع تداول اموال دولتی

از منظر اسلام و متخصصان بودجه مطرح شده و آثار آن در زمینه‌هایی همچون نفی بیکاری، جلوگیری از عقب‌گرد منابع انسانی و تحقق توسعه بررسی شده است. از حیث بررسی رشد و توسعه در آیات قرآن و نهج‌البلاغه - که همزمان به ابعاد توسعه‌ی جامع می‌پردازد و توسعه را به‌صورت کلی، نه صرفاً از جهت سرمایه‌ی انسانی یا نظام اداری یا ارتباط آن با مقوله‌ی رشد، مورد تحلیل قرار می‌دهد - این مقاله دارای نوآوری است

۲. بررسی واژگانی «توسعه»

واژه‌ی «توسعه» در زبان‌های مختلف کاربرد دارد. در زبان فارسی به معنای «بسط، پیشرفت، عمران، گسترش، وسعت، بسط‌دادن، گسترش دادن، پیشرفت کردن، افزایش، پهناوری و فراخی» است (معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۱۶۵). این کلمه در زبان انگلیسی با دو واژه‌ی expansion و development به کار می‌رود (حق‌شناس، سامعی، انتخابی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۵ و ۴۴۲). اصل کلمه «توسعه» عربی است و ریشه‌ی آن «وسع» می‌باشد. «وسع» به معنای «قدرت و طاقت» است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۰۳) و مشتقات آن نیز از همین معنا نشأت گرفته‌اند. برای مثال «أوسع» به معنای گسترش مال، «استوسع» به معنای گشایش زندگی و توسعه‌ی آن (صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۱۴). همچنین «وسع» را به قدرت بیش از توانایی شخص نیز اطلاق کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۷۰). بنابراین، «توسعه» به معنای گسترش و پیشرفت، قدر مشترک تمام زبان‌ها است. اما اینکه این گسترش و پیشرفت در هر علم چه مفهومی داشته باشد، بستگی به کاربرد و چارچوب نظری آن علم دارد. در این مقاله، تمرکز بر مبحث «توسعه‌ی اقتصادی» در اصطلاح علم اقتصاد و ابعاد و زوایای آن خواهد بود

۳. بررسی اصطلاحی «توسعه»

توسعه را باید جریانی چندبُعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه‌ی مردم و نهادهای ملی، و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه‌ی نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد (دینی، ۱۳۷۰، ص ۸۴)

برخی معتقدند توسعه مفهومی انتزاعی نیست، بلکه مجموعه‌ای عیان از روابط و اعمال سیاسی، فرهنگی و علمی است. گروهی دیگر توسعه را امری ارزشی دانسته و بر این باورند که مفهوم توسعه، مفهومی ایدئولوژیک است و تعریف و حدود آن را جامعه‌ای تعیین می‌کند که قرار است دیگران را با روند خود همساز کند. بنابراین، توسعه نمی‌تواند مفهومی بی‌طرف و عاری از ارزش‌ها باشد، بلکه همواره حامل ارزش‌ها و اهداف خاص بوده است. از آنجا که توسعه انسان‌مدار است، هر فرهنگی که ظرفیت و توانایی انسان را گسترش دهد، در خدمت بشر باشد و او را توانمند سازد، در مبحث

توسعه جای می‌گیرد. به‌طور کلی، پوییش توسعه معطوف به گسترش نهادهای تنظیم‌گر، هدایت‌گر و مهارکننده‌ی رفتار و نیازهای انسانی است و هدف آن، بسط انتخاب‌های فردی در زندگی اجتماعی است. این مفاهیم به شیوه‌ای درهم‌تنیده و بازنشاندنی با یکدیگر پیوند خورده‌اند (عنبری، ۱۳۹۰، ص ۱۸-۲۱)

۳-۱. در باب توسعه اقتصادی

همان‌گونه که در مباحث پیشین ذکر شد، توسعه مفهومی عمیق و چندبعدی است که تمامی عرصه‌ها اعم از سیاست، اقتصاد، فرهنگ، مسائل اجتماعی و نهادسازی را در دو وجه مادی و معنوی در بر می‌گیرد. در میان ابعاد گوناگون توسعه، مهم‌ترین مسیری که دولت‌ها ناگزیر از عبور از آن هستند، توسعه‌ی اقتصادی است. این ادعا نه صرفاً مبتنی بر ذهنیت نگارنده، بلکه برآمده از مطالعه‌ی آثار محققان توسعه در رشته‌های مختلف است. توسعه‌ی اقتصادی در ذات خود جامعیتی دارد که سایر ابعاد توسعه را در بر می‌گیرد. تأکید اصلی این پژوهش بر توسعه‌ی اقتصادی است، نه صرفاً رشد اقتصادی؛ چرا که این دو اگرچه در ظاهر نزدیک به هم‌اند، اما تفاوت‌های ماهوی دارند. رشد اقتصادی همیشه آثار مثبت به همراه ندارد و در بسیاری موارد پیامدهای منفی به دنبال دارد؛ حال آنکه توسعه‌ی اقتصادی به دلیل جامعیت و شمول خود، آثار زیان‌بار رشد صرف را در بر ندارد

در اینجا پرسشی به ذهن می‌رسد: اگر توسعه‌ی اقتصادی مطلوب است، پس چرا جوامع غربی مانند ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی که پیشگام توسعه معرفی می‌شوند، امروزه با بحران‌های متعدد اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی روبه‌رو هستند؟ واقعیت آن است که این جوامع عمدتاً به رشد اقتصادی دست یافته‌اند، نه توسعه‌ی اقتصادی. به همین دلیل، پیامدهای منفی رشد صرف گریبان‌گیر آن‌ها شده است

رشد اقتصادی پدیده‌ای است که غالباً و شاید در تمامی موارد، پیامدهای ناهنجار و بعضاً فسادانگیز دارد؛ تا جایی که می‌تواند تمام مزایای رشد را بی‌اثر سازد. حتی گاه پیامدهای منفی رشد اقتصادی خود عاملی برای شورش مردم علیه حاکمیت می‌شود. بنابراین در بررسی مسائل رشد اقتصادی، نمی‌توان از پیامدهای آن غافل شد (صدریه، ۱۳۷۰، ص ۴۸-۴۹). در مقابل، توسعه‌ی اقتصادی دربرگیرنده‌ی رشد است، اما آن را در چارچوبی هدفمند و پایدار قرار می‌دهد تا از تبعات منفی آن جلوگیری شود

از نظر شاخص‌های اقتصادی، رشد اقتصادی عبارت است از افزایش در متغیرهایی همچون تولید ناخالص ملی یا درآمد سرانه طی یک دوره‌ی زمانی مشخص. رشد اقتصادی تنها ناظر به افزایش کمی شاخص‌های کلان اقتصادی است، اما توسعه‌ی اقتصادی علاوه بر این افزایش کمی، شامل تغییرات کیفی در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز می‌شود. به بیان دیگر، رشد جزئی از توسعه است، نه کل آن. هدف از طرح‌های توسعه، ارائه‌ی راهکارهایی است که جامعه بتواند بر



اساس آن‌ها به توسعه‌ی واقعی و همه‌جانبه دست یابد (دینی، ۱۳۷۰، ص ۸۳-۸۶). بر این اساس، اگر اقتصاد کشوری صرفاً در بعد کمی ارتقا یابد و نسبت به ارزش‌ها و سایر ابعاد توسعه بی‌توجه باشد، آنچه رخ داده صرفاً رشد اقتصادی است و نه توسعه اهمیت استراتژی توسعه از این‌رو است که ارتباطی تنگاتنگ با اهداف عالی و اصول اعتقادی هر جامعه‌ی انقلابی - همچون استقلال اقتصادی، عدالت اجتماعی و آزادی - دارد (دینی، ۱۳۷۰، ص ۸۵). توسعه نه تنها نیازمند مشخصه‌های اقتصادی، بلکه مستلزم ویژگی‌های اجتماعی و روان‌شناختی نیز هست (گلدین، ۱۳۹۸، ص ۳۲). این امر به ارتقای سطح امید به زندگی مردم کمک می‌کند (گلدین، ۱۳۹۸، ص ۱۲۱) و هرچه امید به زندگی در جامعه بیشتر باشد، میزان رضایت شهروندان از حکومت نیز افزایش خواهد یافت. از همین رو است که روند توسعه تأثیری مستقیم بر کارآمدی نظام سیاسی دارد؛ توسعه نشان‌دهنده‌ی کارآمدی است و در صورت فقدان آن، مشروعیت حکومت با تهدید جدی مواجه خواهد شد (رقیبی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۵).

۴. بررسی ابعاد توسعه کشورها

وضعیت توسعه‌ی اقتصادی هر کشور، معیاری برای سنجش کیفیت دولت آن به شمار می‌آید. در کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه، سازمان‌های اندکی دارای مدیریت کیفیت مؤثر هستند (حسن‌زاده و رشنوادی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۲). همان‌گونه که در بخش‌های پیشین بیان شد، رشد اقتصادی معادل توسعه نیست، اما بخش مهمی از توسعه‌ی اقتصادی را تشکیل می‌دهد. از این رو کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا عمدتاً در رشد اقتصادی به سطح مطلوبی دست یافته‌اند، اما این امر الزاماً به معنای تحقق توسعه‌ی اقتصادی همه‌جانبه نیست برای نیل به توسعه‌ی پایدار، رشد اقتصادی باید همراه با توزیع عادلانه‌ی درآمد و ثروت باشد. تحقق عدالت نیز مستلزم تغییرات ساختاری در نظام اجتماعی است تا بدین وسیله افراد و گروه‌های اصلی و مولد جامعه، نه تنها در فرایند تولید مشارکت کنند، بلکه از مازاد و منافع حاصل از آن نیز بهره‌مند شوند (موثقی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵). بر همین اساس، نظریه‌های توسعه بیشتر ناظر بر اقتصاد کلان تولید بوده‌اند و آن را بر پایه‌ی کل تولید در واحد زمان و سطح اشتغال نیروی کار تعریف کرده‌اند (فورتادو، ۱۳۵۷، ص ۱۶). بدین ترتیب روشن می‌شود که مردم به عنوان نیروی اصلی تولید، در کانون برنامه‌های توسعه قرار دارند نظریه‌پردازان اقتصادی در تبیین علل ناکامی نظریه‌های خود در کشورهای عقب‌مانده کوشیده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که مسئله‌ی توسعه در این کشورها بیش از آنکه صرفاً اقتصادی باشد، جنبه‌ای سیاسی و نهادی دارد. بر اساس این دیدگاه، بدون برخورداری از یک سیستم سیاسی - نهادی کارآمد، دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی ممکن نخواهد بود (قوام، ۱۳۷۴، ص ۵۵). به همین دلیل مدیران اروپایی دریافته‌اند که سازمان‌ها باید در بستری اجتماعی و اقتصادی فعالیت کنند. از این رو بر این باورند که تمامی ذی‌نفعان سازمان - اعم از کارکنان، ارباب‌رجوع، تأمین‌کنندگان

و عموم جامعه — به نوعی در مالکیت سازمان سهام هستند (حسن‌زاده و رشنوادی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۲). این نگرش در سطح اصلی‌ترین نهاد توسعه، یعنی دولت، نیز جریان یافته و به رشد اقتصادی قابل توجه در این کشورها انجامیده است

از سوی دیگر، در کشورهای صنعتی اشتغال کامل یکی از اصول اساسی سیاست توسعه‌ی اقتصادی و تعامل میان عرضه و تقاضای نیروی کار به شمار می‌رود. در نتیجه، زمانی که نرخ بیکاری افزایش یابد، دولت‌ها سطح رشد اقتصادی را بیش از میزان پیش‌بینی شده در برنامه‌های عمرانی ارتقا می‌دهند تا از این طریق نرخ بیکاری کاهش یابد. زیرا می‌دانند که رشد اقتصادی بخش مهمی از توسعه است و رشد پایدار با بیکاری گسترده جمع نمی‌شود. در مقابل، کشورهای در حال توسعه به دلیل محدودیت منابع ارزی و مالی، توان سرمایه‌گذاری کافی برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید را ندارند و همین امر موجب می‌شود شمار بیکاران همچنان بالا بماند (ملک‌آسا، ۱۳۶۹، ص ۱۶۴).

۵. بررسی ابعاد توسعه نیافتگی

بسیاری از اندیشمندان علم اقتصاد، توسعه را از زاویه‌ی نقیض آن یعنی توسعه‌نیافتگی مورد مطالعه قرار داده‌اند. توسعه‌نیافتگی عمدتاً در دو بعد اصلی تحلیل می‌شود: فقر و اتلاف منابع

۵-۱. فقر به‌عنوان نمود توسعه‌نیافتگی

فقر را می‌توان آشکارترین نشانه‌ی عقب‌ماندگی جوامع از مسیر توسعه دانست. هر چه دامنه‌ی فقر در جامعه گسترده‌تر باشد، عقب‌ماندگی آن کشور از توسعه بیشتر است. به همین دلیل، بسیاری از نظریه‌های توسعه بر نقش نیروهای مولد و مشارکت مردمی تأکید دارند و استقلال اقتصادی را در گرو اتکا به سرمایه‌های داخلی می‌دانند. اتکای بیش از حد به سرمایه‌های خارجی، وابستگی و در نتیجه تضعیف استقلال اقتصادی را در پی دارد. از این منظر، نیروی انسانی به‌عنوان مهم‌ترین منبع توسعه مطرح می‌شود و اتلاف آن معادل با هدررفتن ابزارهای اصلی توسعه است؛ چالشی که دولت‌ها برای تحقق اهداف توسعه با آن مواجه‌اند

اهمیت فقر تا آنجاست که برخی از نظریه‌پردازان، بررسی و رفع آن را مقدم بر رشد اقتصادی دانسته‌اند. محبوب‌الحق، اقتصاددان پاکستانی، در این باره تصریح می‌کند: «همواره به ما آموخته‌اند که به تولید ناخالص ملی و رشد اقتصادی بیندیشیم، زیرا تصور می‌شد رشد اقتصادی خودبه‌خود مسأله فقر را حل خواهد کرد. اکنون اجازه دهید روند را معکوس کنیم: نخست به فکر فقر باشیم، چرا که رفع فقر، مسأله تولید ناخالص ملی را نیز حل خواهد کرد» (رنانی و مه‌آبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۹-۲۰۹)

فقر مفهومی چندبعدی است و تنها به کمبود درآمد یا ناتوانی در تأمین کالاهای اساسی محدود نمی‌شود. بلکه عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اطلاعاتی را نیز شامل می‌شود که در مجموع



سطح فقر جامعه را تعیین می‌کنند. در این چارچوب، فقر مادی، اجتماعی و سیاسی در پیوندی متقابل بر یکدیگر اثر می‌گذارند: انسان‌هایی که از فقر مادی رنج می‌برند، غالباً با فقر اجتماعی و سیاسی نیز مواجه‌اند. فقر سیاسی به گسترش فقر اطلاعاتی و اجتماعی دامن می‌زند و فقر مادی به معنای نبود سرمایه‌های لازم برای تأمین یک زندگی امن و آسوده است (مؤسسه تدبیر اقتصاد، ۱۳۹۰، ص ۱۲-۱۳)

از دیدگاه سیاسی، فقر مشروعیت نظام‌های سیاسی را به شدت تهدید می‌کند؛ به گونه‌ای که با گسترش فقر، پایه‌های اقتدار حکومت‌ها متزلزل می‌شود (کاسادوفسکی، ۱۳۸۶، ص ۵۹). بر همین اساس، افزایش رفاه عمومی و کاهش فقر همواره یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه بوده است و برنامه‌های اقتصادی معمولاً با وعده‌ی بهبود وضعیت زندگی مردم همراه شده‌اند (تقوی و غروی نخجوان، ۱۳۷۰، ص ۵۵-۸۳)

۵-۲. ائتلاف منابع و توسعه نیافتگی

بعد دوم توسعه نیافتگی، ائتلاف منابع است. ائتلاف منابع و توسعه نیافتگی دو روی یک سکه‌اند: هر قدر منابع یک کشور بیشتر هدر رود، جامعه به همان میزان از توسعه فاصله می‌گیرد و به فقر نزدیک‌تر می‌شود. منابع ملی شامل منابع طبیعی، انسانی و مصنوعی است (کاردان، ۱۳۸۴، ص ۲۳-۳۲). در این میان، مدیریت منابع انسانی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا تغییرات محیطی (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) می‌توانند فرصت یا تهدیدی جدی برای منابع انسانی باشند. بنابراین تحلیل دقیق محیط و ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر منابع انسانی، شرط اصلی بهره‌گیری صحیح از آن‌هاست (قلی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۳۶)

منابع ملی، خواه طبیعی و خواه انسانی، جزو ثروت همگانی محسوب می‌شوند و بهره‌وری صحیح از آن‌ها موجب غنای ملی می‌گردد. در مقابل، بهره‌برداری نادرست و اسراف در مصرف منابع، جامعه را به فقر می‌کشاند (کاردان، ۱۳۸۴، ص ۲۳-۳۲). از همین رو، یکی از راهبردهای توسعه در جوامع معاصر، تلاش برای افزایش بهره‌وری و جلوگیری از ائتلاف منابع از طریق فناوری و نوآوری علمی است. به‌ویژه، نیروی انسانی مهم‌ترین عامل در بهره‌گیری از سایر منابع است و بدون منابع انسانی کارآمد، حتی وجود ذخایر غنی طبیعی نیز نمی‌تواند ضامن توسعه باشد (حاجی‌بابایی، ۱۳۸۴، ص ۵۳-۶۰). در ادبیات اقتصادی، اصطلاح «نیروی کار» جای خود را به «منابع انسانی» داده است تا اهمیت استراتژیک و چندبعدی بودن انسان در فرایند توسعه روشن شود (آقاسی، ۱۳۸۰، ص ۵۹-۷۸)

چگونگی استفاده از منابع انسانی یک کشور شرط اصلی بهره‌گیری مناسب از سایر منابع و به دنبال آن پایداری مسیر رشد و توسعه‌ی است. (توفیقی؛ قارون، ۱۳۸۴، صص ۵۱-۳۳) دولت‌ها که نقش هدایت و رهبری توسعه را بر عهده دارند باید نیروی انسانی خلاق و متخصص را به عنوان سرمایه‌های دولت تربیت کنند و هرگز در این راه کوتاهی نکنند. (داودی، ۱۳۸۰، صص ۱۶-

۱) یکی از کارهایی که بر عهده‌ی دولت است، عدم هم‌پوشانی و کارهای موازی در وظایف اجزای دولت است. در ایران متأسفانه این مسئله وجود دارد. (شمس اردکانی، ۱۳۸۴، صص ۳۹۱-۳۷۱) ذکر این نکته ضرورت دارد که در عرصه‌ی اقتصاد متأسفانه شدت و ظرفیت بهره‌برداری از منابع انسانی طبق دانش متناسب، به طور کل در شغل‌ها و فعالیت‌های اقتصادی ایران بسیار ضعیف است، لذا اقتصاد آن گونه که باید پیشبرنده‌ی توسعه نمی‌باشد. (نک: توفیقی؛ قارون، ۱۳۸۴، ص ۵۱-۳۳)

۳-۵. نقش دولت در استفاده بهینه از منابع

چگونگی استفاده از منابع انسانی، شرط اصلی بهره‌گیری مناسب از سایر منابع و تضمین پایداری مسیر توسعه است (توفیقی و قارون، ۱۳۸۴، ص ۳۳-۵۱). در این میان، دولت‌ها نقش هدایت‌گر توسعه را بر عهده دارند و باید به پرورش نیروی انسانی خلاق و متخصص به‌عنوان سرمایه‌های اصلی توجه ویژه کنند (داودی، ۱۳۸۰، ص ۱-۱۶)

یکی از چالش‌های موجود در کشورهای در حال توسعه، پراکندگی وظایف و هم‌پوشانی نهادهای دولتی است که موجب کاهش کارآمدی و اتلاف منابع می‌شود. در ایران نیز این مشکل بارها مورد نقد قرار گرفته است (شمس اردکانی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۱-۳۹۱). افزون بر این، شدت و کیفیت بهره‌برداری از منابع انسانی در بسیاری از مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی کشور ضعیف است و همین امر مانع از آن شده که اقتصاد به‌طور واقعی در خدمت توسعه قرار گیرد (نک: توفیقی و قارون، ۱۳۸۴، ص ۳۳-۵۱)

۶. عوامل توسعه نیافتگی در قرآن و نهج البلاغه و راهکار مقابله با آن

۶-۱. فقر و عدم توسعه

یکی از عوامل اساسی عدم توسعه، فقر است. اسلام نه تنها فقر را مایه فخر و مباهات نمی‌شمارد، بلکه آن را بدبختی و مصیبتی می‌داند که باید با تمام قوا در برابر آن ایستاد و مردم را از آثار شوم آن رهانید (طیبی شبستری، ۱۳۴۲، ص ۶-۵). فقر مانع پیشرفت نظام اسلامی است و برای رسیدن به اهداف نظام، باید آن را از میان برداشت. قرآن کریم در مورد اموال دستوری داده که اگر بدان عمل شود، فقر از بین خواهد رفت: «وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...» (نساء/۵)

در این آیه چند نکته مهم نهفته است: «سُفَهَاء» جمع «سَفِيه» از ریشه «سفاهت» به معنای سبک‌وزنی و سپس سبک‌مغزی در امور مادی و معنوی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱۴). «سَفِيه» مفهوم گسترده‌ای دارد و سپردن اموال عمومی یا خصوصی به آنان نهی شده است؛ گاه این نهی در حد تحریم و گاه در حد کراهت است (المیزان، ج ۳، ص ۲۶۸). تعبیر «أَمْوَالَكُم» بیانگر نگاه اجتماعی اسلام به مال است؛ به گونه‌ای که منفعت یک فرد نمی‌تواند جدا از منافع جمع باشد. بدین جهت اموال، در حقیقت سرمایه جامعه‌اند و هر گونه استفاده شخصی باید در چارچوب مصالح عمومی باشد

(المیزان، ج ۳، ص ۲۶۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۳۲۰). حتی اگر سفیه بخواهد در اموال شخصی خود تصرف کند، چون به اقتصاد جامعه ضربه می‌زند، ممنوع است. جامعه نسبت به اموال فردی حق دارد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۲)

در برخورد با اموال، توجه به مصالح اقتصادی و رشد فکری افراد مهم‌تر از عواطف گذراست. مال و ثروت، قوام زندگی و ستون نظام اجتماعی است و نباید را کد بماند، بلکه باید در مسیر تولید و سوددهی قرار گیرد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۲). عبارت «الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» نشان می‌دهد که مال و ثروت وسیله استواری فرد و جامعه است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۳۲۵). سفاهت و رشد، هم بُعد معنوی و هم بُعد اقتصادی دارند. کسی که ثروت خود را در سرمایه‌گذاری‌های مناسب به کار می‌گیرد و از تبذیر می‌پرهیزد، رشید اقتصادی است؛ اما کسی که اموالش را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند، سفیه به شمار می‌آید. قرآن تبذیر را نهی کرده و مبذر را برادر شیطان دانسته است: «وَلَا تُبْذِرْ كَبْدًا * إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (اسراء/۲۶-۲۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۳۲۷-۳۲۹). بنابراین، هم افراد جامعه در نگهداری و بهره‌برداری درست از اموال شخصی، و هم حاکمان در حفظ و مصرف اموال عمومی، وظیفه دارند سرمایه‌ها را در مسیر قوام جامعه و رونق تولید به کار گیرند؛ در غیر این صورت مشمول نکوهش آیات قرآن خواهند بود

از سوی دیگر، فقر تهدیدی برای مبانی دینی است؛ زیرا رسالت دین، کنترل غرائز است و این امر هنگامی میسر است که غرائز در حدی ارضا شوند. اما فقر سبب طغیان غرائز و نابودی عواطف انسانی می‌شود. قرآن کریم به مردم جاهلی که از ترس فقر فرزندان خود را می‌کشتند هشدار می‌دهد: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ قَتَلْتُمْ كَانِ خَطَأً كَبِيرًا» (اسراء/۳۱؛ بیات، ۱۳۵۸، ص ۴۴). فقر در حقیقت ستون فقرات جامعه را می‌شکند و جامعه‌ای که توان «قیام» ندارد، نمی‌تواند توسعه بیافریند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۳۳۰).

در نهج البلاغه نیز امام علی(ع) فقر را خطری برای دین و عقل معرفی کرده و فرموده است: «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ، فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقِصَةٌ لِلدِّينِ، مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ» (دستی، ۱۳۷۹، حکمت ۳۱۹، ص ۷۰۷). همچنین در سخنی دیگر فرموده است: «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ»؛ فقر مرگ بزرگ است (همان، حکمت ۱۶۳، ص ۶۶۵). نیز آورده است: «الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفُطْنَ عَنْ حُجَّتِهِ وَ الْمَقْلُ غَرِيبٌ فِي بُلَدَتِهِ»؛ تهیدستی، مرد زیرک را در استدلال کند می‌سازد و انسان فقیر در شهر خویش غریب است (همان، حکمت ۳، ص ۶۲۵).

۶-۲. اتلاف منابع و عدم توسعه

بحث اتلاف منابع در قرآن کریم به دو صورت مطرح شده است: اول: ذکر انواع نعمت‌ها و فرصت‌ها برای بهره‌برداری هر چه بهتر و بیشتر از آن‌ها؛ دوم: اسراف، که با نهی از آن، در واقع به عدم اتلاف منابع و سرمایه‌ها دلالت می‌کند

۶-۲-۱. آب و محصولات وابسته

«وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (بقره: ۶۰) و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش آب طلبید، به او دستور دادیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن!» ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید؛ آن گونه که هر یک (از طوایف دوازدهگانه بنی اسرائیل) چشمه مخصوص خود را می‌شناختند! و گفتیم: «از روزی‌های الهی بخورید و بیاشامید! و در زمین فساد نکنید.» «رِزْقِ اللَّهِ» صرفاً به من و سلوی اشاره ندارد، بلکه تمام نعمت‌هایی است که خداوند ارزانی داشته است. طبق نظر تعدادی از مفسران، «رزق» به معنای آب و تمام نعمت‌هایی است که از آب به دست می‌آید؛ لذا تمام محصولات کشاورزی و باغداری از مصادیق آن است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۶۰۳-۶۰۴). با پیشرفت علم، شاید نعمت برق و سایر صنایع وابسته به آب را هم شامل شود. در هر حال، خداوند امر می‌کند که از تمام نعمت‌هایش بهره برده شود، البته به دور از فساد: «وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»

۶-۲-۲. آهن و صنایع وابسته

«... وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ...» (حدید: ۲۵) و آهن را - که در آن نیرویی سخت و منافع برای مردم است - فرورستادیم. آهن نمونه‌ای برای مصارف متعدد است: نخست، «بَأْسٌ شَدِيدٌ» دلالت دارد بر دفاع از حریم آیین الهی با ابزارهای مختلف؛ مثلاً روزی تبر در دست ابراهیم (ع) و شمشیر در دست رسول اکرم (ص) بوده است و امروزه ابزارهای پیشرفته دفاعی از آن ساخته می‌شود. دوم، «مَنَافِعُ لِلنَّاسِ» به منافع صنعتی فراوانی که برای مردم وجود دارد اشاره می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۴۵۱). یعنی هر صنعت و تولیدی که می‌توان با استفاده از آهن آن را راه‌اندازی کرد و موجب رشد اقتصادی جامعه اسلامی شد، از مصادیق این آیه است. امروزه استفاده از آهن در صنایع متعدد، بسیار پرکاربرد است

۶-۲-۳. کشتی، محصول دیگری برای توسعه

«... وَالْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ...» (بقره: ۱۶۴) و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند. در این آیه کریمه، خداوند یکی از آیاتش را ذکر می‌کند: «کشتی همچون دیگر اجرام سنگین، طبعاً باید در آب فرو رود؛ لیکن خدای سبحان با نظامی که بین آن و آب دریا قرار داده، آن را بر روی آب نگه می‌دارد و چنان آب را مسخر کشتی‌ها می‌کند که همچون انسان که هوا را می‌شکافد و راه می‌رود، کشتی‌ها نیز آب را می‌شکافند و پیش می‌روند» (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۱۹۱).

همچنین: «... وَ تَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ...» (نحل: ۱۴). و می‌بینی که کشتی‌ها سینه‌ی دریا را شکافته پیش می‌روند، تا از آن‌ها برای تجارت، ماهیگیری، غواصی و حمل و نقل

که همگی وسیله در آمد هستند بهره برید. فروزفتن کشتی در آب این امکان را به انسان می دهد تا کالاهای و منافع تجاری و غیر تجاری را جابه جا کند. بدین ترتیب، هم خود حمل و نقل نافع است و هم کالاهای اقتصادی و تجاری که با کشتی جابه جا می شوند (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۱۹۲)

۶-۲-۴. صنعت، کشاورزی و دامداری؛ سه عامل توسعه منابع انسانی

«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ...» (بقره: ۲۰۵). (نشانه‌ی او این است که) هنگامی که روی برمی گرداند، در راه فساد در زمین می کوشد و زراعتها و چهارپایان را نابود می سازد. این آیه، ترقی و رشد جامعه در زمینه‌ی اقتصادی را در گرو رونق کشاورزی، دامداری و صنعت می داند. بدین معنا که با توقف این فعالیت‌ها، اقتصاد دچار افول می شود و سپس اضمحلال فرهنگی پدید می آید؛ درست در همین زمان است که فساد گسترش می یابد. «يُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» علاوه بر کشاورزی به دامداری نیز دلالت دارد. منظور از «نسل» هم انسان است و هم حیوان. نابودی نسل یعنی از بین رفتن نیروی انسانی، که در پی اقتصاد فروریخته و فشار مالی، جامعه دچار سرخوردگی می شود و در نتیجه فرهنگ مضمحل جایگزین می گردد. «لِيُفْسِدَ فِيهَا» نیز به صورت ضمنی و نه صریح به صنعت اشاره دارد، چرا که در زمان نزول آیه، صنعت چندان پیشرفته نبود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۲۲۴)

۶-۲-۵. زمین و تمام مواهب آن

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ملک: ۱۵). او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید؛ و بازگشت همه به سوی اوست. «ذلول» به معنای مطیع است و زیباترین تعبیری است که برای زمین به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۳۳۷). «مناكب» به معنای شانه، استعاره‌ای است برای نشان دادن نهایت رام بودن زمین. آیه بیان می کند که خدا زمین را مسخر انسان کرد تا بر آن زیست کند، در آن حرکت نماید، و از رزق مقدر او بهره ببرد. «رزق» در این آیه به همه‌ی نعمات حیوانی، گیاهی و معدنی دلالت دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۵۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۳۳۸)

در آیه‌ای دیگر آمده است: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۲). آن کس که زمین را بستر شما قرار داد و آسمان را همچون سقفی بر فراز سر شما، و از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد؛ پس برای خدا شریک قرار ندهید در حالی که می دانید (هیچ‌یک از آن شریکان شما را نیافریده و روزی نمی دهند). از بهترین راه‌های خداشناسی، بهره‌مندی از نعمت‌های در دسترس است. نظم و هماهنگی دستگاه آفرینش، نشانه‌ی توحید است و همه‌ی انسان‌ها حق بهره‌برداری از زمین را دارند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷۵)

۶-۲-۶. استفاده از نعمات باطنی و ظاهری منابع انسانی

در مورد منابع انسانی هم به وجه ظاهری و هم به وجه باطنی انسان اشاره شده است، می‌فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعُقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (بقره/۱۷۱). مثال (تو) در دعوت کافران، مثال کسی است که (گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر) صدا می‌زند، ولی آن‌ها چیزی جز سر و صدا نمی‌شنوند (و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی‌کنند). این کافران (در حقیقت) کر و لال و نابینا هستند و لذا چیزی نمی‌فهمند. در این آیه هم به نعمات ظاهری و هم به عقل که نیروی غیرمادی بشر برای پیشرفت و توسعه است اشاره شده است.

«بدون شک برای ارتباط انسان با جهان خارج ابزاری لازم است که آن‌ها را ابزار شناخت می‌خوانند، و مهم‌تر از همه چشم و گوش برای دیدن و شنیدن، و زبان برای سؤال کردن است، و لذا در آیه فوق بعد از آن که این افراد را به خاطر عدم استفاده از ابزار شناخت به افراد کر و لال و نابینا تشبیه می‌کند با ذکر «فناء تفریح» که برای نتیجه‌گیری است بلافاصله می‌گوید: «بنابر این آن‌ها چیزی نمی‌فهمند». به این ترتیب قرآن گواهی می‌دهد که اساسی‌ترین پایه علوم و دانش‌ها چشم و گوش و زبان است؛ چشم و گوش برای درک کردن مستقیم و زبان برای ایجاد رابطه با دیگران و کسب علوم آن‌ها (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۷۹) در مورد نعمت عقل نیز امام علی (ع) می‌فرماید: «لَا غِنَى كَالْعَقْلِ...»؛ هیچ غنایی همچون عقل نیست (دشتی، ۱۳۷۹، حکمت ۵۴، ص ۶۳۷). با آنچه از توصیف عقل در آیات قرآن و روایات وجود دارد، روشن می‌گردد که نیروی عقل همچون ترازویی است که تمامی افکار، گفتار و رفتار آدمی با آن سنجیده می‌شود. چنانچه با این معیار، در بهره‌برداری از نعمت‌های مادی و معنوی خداوند به مصرف پردازیم، قطعاً مسیر درست مصرف را طی خواهیم کرد. به کمک عقل است که در هر زمینه‌ای اعم از بهره‌برداری از امکانات و دارایی‌های شخصی و یا استفاده از امکانات عمومی و دولتی، می‌توانیم بر اساس الگوی درست مصرف استفاده کنیم و از اسراف و تبذیر خودداری نماییم (طالب‌تاش، ۱۳۸۸، ص ۵۸)

در بیانی، امیرالمؤمنین (ع) انواع نعمات و منابعی که خدا در اختیار انسان قرار داده است را برمی‌شمرد؛ می‌فرماید: «... وَفَسَحَ بَيْنَ الْجَوِّ وَبَيْنَهَا وَأَعَدَّ الْهَوَاءَ مُتَّسِمًا لِسَاكِنِهَا - وَأَخْرَجَ إِلَيْهَا أَهْلَهَا عَلَيَّ تَمَامَ مَرَافِقِهَا - ثُمَّ لَمْ يَدْعُ جِرْزَ الْأَرْضِ - الَّتِي تَقْصُرُ مِبَاهُ الْعُيُونِ عَنْ رَوَائِبِهَا - وَلَا تَجِدُ جَدَاوِلَ الْأَنْهَارِ ذَرِيعةً إِلَى بُلُوغِهَا - حَتَّى أَنْشَأَ لَهَا نَاشِئَةَ سَحَابٍ تُحْيِي مَوَاتِنَهَا - وَتَسْتَخْرِجُ نَبَاتَهَا - ...» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۹۱، ص ۱۶۸-۱۶۹). در این خطبه حضرت امیر (ع) به نیکی از نعمت زمین و مواهب درون آن یاد می‌کند تا انسان بتواند از این نعمت بهره‌برد و مایحتاج خود را تأمین کند دوم؛ دلالت‌هایی که در قرآن بر عدم اسراف منابع وجود دارد. از جمله این آیه کریمه: «لَا حَرَمَ أَنْمَا تَدْعُونِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدْنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (غافر/۴۳). قطعاً آنچه مرا به سوی آن می‌خوانید نه دعوت (و حاکمیتی) در دنیا

دارند و نه در آخرت، و تنها بازگشت ما در قیامت به سوی خدا است، و مسرفان اهل دوزخند. تعبیر «أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» دلالت دارد بر اینکه اسراف تنها در مال نیست، بلکه هدر دادن استعدادها و نیروهای انسانی نیز اسراف است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۲۹۵)

آیات دیگری وجود دارد که اتلاف و اسراف را مذمت کرده و به میانه‌روی در استفاده از تمامی منابع توصیه می‌کند. می‌فرماید: «وَ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقَى» (طه/۱۲۷). و اینگونه جزا می‌دهیم کسی را که اسراف کند و ایمان به آیات پروردگارش نیاورد، و عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است. کلمه «اسراف» به معنای تجاوز از حد است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۳۲). تعبیر به «اسراف» در اینجا اشاره به این است که آن‌ها نعمت‌های خداداد مانند چشم و گوش و عقل را در مسیرهای غلط به کار انداختند و اسراف چیزی جز این نیست که انسان نعمت را بیهوده بر باد دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۳۱)

همچنین از آیه استفاده می‌شود که اسراف و استفاده نابجا از نعمتها، زمین‌ساز کفر است؛ «أَسْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِنْ» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۰۷). در آیه دیگری آمده است: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر/۵۳). بگو: «ای بندگان من که بر نفس خویش اسراف (و ستم) کرده‌اید! از رحمت خداوند مأیوس نشوید، همانا خداوند مهمی گناهان را می‌بخشد، زیرا که او بسیار آمرزنده و مهربان است»

در فرهنگ قرآن، اسراف معنای وسیعی دارد که علاوه بر اسراف در مال، شامل اسراف در نفس و جان نیز می‌شود؛ بدین معنی که انسان در بهره‌گیری از استعدادها و ظرفیتهای وجودی خود از حد اعتدال خارج شده و دچار افراط و تفریط گردد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۸۸). امام علی (ع) نیز نقطه‌ی مقابل اسراف یعنی میانه‌روی را ضد فقر دانسته و در بیانی کوتاه می‌فرماید: «مَا عَالَ مَنِ اقْتَصَدَ»؛ آن که میانه‌روی کند، تهیدست نخواهد شد (دشتی، ۱۳۷۹، حکمت ۱۴۰، ص ۶۵۹). پژوهشگران اسلامی در خصوص مصادیق جدید و امروزی اسراف، به یافته‌های خوبی رسیده‌اند که ذیل بحث اسراف در قرآن و روایات ذکر می‌کنند.

از جمله: مصادیق مهمی که با کارایی اقتصادی ارتباط پیدا می‌کند: اسراف و نابودی محیط زیست؛ اسراف و کاهش ارزش پول؛ اسراف و دوره‌ی احداث پروژه؛ اسراف و ضایع شدن وقت؛ اسراف و روحیه مصرف‌گرایی (محقق داماد، ۱۳۸۴، صص ۱۱-۲۱). تمامی این مصادیق امروزی اسراف، منجر به عقب‌ماندگی در توسعه می‌شود

۷. نتیجه‌گیری

«توسعه» مفهومی چندبُعدی است. ابعاد توسعه شامل تمامی بخش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه می‌شود. در این میان، توسعه با «رشد» اختلاف مفهومی دارد. رشد اقتصادی تنها به بُعد مالی و بازار سرمایه و پول دلالت دارد، اما توسعه به پیشرفت و گسترش سایر بخش‌های

جامعه علاوه بر اقتصاد نیز دلالت می‌کند. بنابراین توسعه‌ی اقتصادی مفهومی گسترده و جامع است. در این میان، اصلی‌ترین نهاد مؤثر در توسعه‌ی هر کشوری نهاد «دولت» است که به علت در اختیار داشتن انواع منابع اعم از منابع انسانی و غیرانسانی، ریل‌گذاری توسعه را بر عهده دارد. نقش محوری دولت‌ها در تحقق توسعه‌ی سرزمینی غیرقابل انکار است. کشورهای غربی که تنها به رشد اقتصادی همت گماشته‌اند، به توسعه با این مفهوم جامع دست نیافته‌اند؛ از این رو با انواع مشکلات فرهنگی و اجتماعی دست به‌گریبانند

از سوی دیگر، ایران اسلامی پس از پیروزی انقلاب، با وجود اینکه ماهیت دولت در آن الهی و توحیدی شد، اما به علت ضعف در رشد اقتصادی با موانعی در زمینه‌ی توسعه‌ی همه‌جانبه مواجه بوده است. برای رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی، قرآن کریم و نهج‌البلاغه معارف بلند و آموزه‌های دقیقی را ارائه می‌دهند. از جمله آموزه‌های قرآن، استفاده‌ی صحیح از تمامی منابع و نعمات و مواهب الهی است که خود انسان و نیروی انسانی و قوه‌ی عقلانی را نیز جزو منابع می‌داند که باید به درستی از آن‌ها بهره گرفت

از طرفی، امیرالمؤمنین (ع) انواع نعمات الهی برای بشر را برمی‌شمرد که حاکی از گستردگی و تنوع آن‌ها است. همچنین توسعه‌نیافتگی از منظر این دو منبع مهم معارف اسلامی مورد مذمت قرار گرفته است. فقر و اتلاف منابع که از نگاه صاحب‌نظران علم اقتصاد از مهم‌ترین موانع توسعه به‌شمار می‌روند، با دقت و ظرافت در قرآن و کلمات امام علی (ع) مورد توجه قرار گرفته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴؛ دشتی، ۱۳۷۹). در نتیجه، با تمسک به درس‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه‌ی شریف می‌توان به توسعه به معنای جامع آن دست یافت

فهرست منابع

- آقاسی، سعید. (۱۳۸۰). «تحولات محیطی و لزوم توسعه منابع انسانی». مجموعه مقالات همایش توسعه نظام اداری. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- اخلاقی، رحمت‌الله. (۱۳۹۸). «شناسایی تأثیر متقابل امنیت، رشد و توسعه اقتصادی در اسلام». معارف اسلامی و اقتصاد، ۹، ۱۲۹-۱۶۵.
- اشتریان، کیومرث؛ انتظار، محمدحسن؛ سرانیان، رسول؛ عسگری‌آزاد، محمود؛ نبوی، سیدمرتضی. (۱۳۹۷). «نظام اداری و توسعه». راهبرد توسعه، ۵۴، ۷-۲۸.
- اصغری، محمود. (۱۳۸۰). «کارآمدی و فقرزدایی در فرهنگ اسلامی». پژوهش‌های اجتماعی-اسلامی، ۲۹، ۱۹۱-۲۰۹.
- افشاری، زهرا؛ شیرین‌بخش، شمس‌الله؛ ابراهیمی، سیده‌نثار. (۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌ای اثر اندازه بهینه هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری دولت بر شاخص توسعه انسانی». پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۸، ۳۷-۵۰.
- بیات، غلامرضا. (۱۳۵۸). اسلام در مبارزه با فقر. بی‌جا: پرتو.

- بیستونی، محمد. (۱۳۸۴). قرآن ناطق علی بن ابی طالب (ع). تهران: بیان جوان.
- تقوی، مهدی؛ غروی نخجوان، احمد. (۱۳۷۹). «روند فقر در ایران طی دو دهه گذشته». در: رئیس دانا، فریبرز؛ شادی طلب، ژاله؛ پیران، پرویز (ویراستاران)، مجموعه مقالات فقر در ایران. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- توفیقی، جعفر؛ قارون، معصومه. (۱۳۸۴). «وضعیت منابع انسانی کشور و راهکارهای پیشگیری از اتلاف آن». در: مجموعه مقالات روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی. تهران: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
- جمشیدیان، مهدی؛ کتابی، محمود؛ کاظمی اسفیه، مهدی. (۱۳۸۰). «نظام اداری و توسعه اجتماعی و اقتصادی در ایران». مجتمع آموزش عالی قم، ۱۰، ۸۹-۱۱۰.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسراء.
- حاجی بابایی، مرتضی. (۱۳۸۴). «پیشگیری از اتلاف منابع». در: مجموعه مقالات روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی. تهران: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
- حبیبی، احمد. (۱۳۷۰). «علل و ریشه‌های توسعه در سرمایه‌داری پیشرفته». تهران: توسعه.
- حسن زاده، حمیدرضا؛ رشنوادی، یعقوب. (۱۳۸۷). مدل‌های تعالی سازمان از نظریه تا عمل. تهران: مؤسسه نشر شهر.
- حسینی میلانی، سیدعلی. (۱۳۸۷). نگاهی به حدیث ثقلین. قم: مرکز حقایق اسلامی.
- حق شناس، علی محمد؛ سامعی، حسین؛ انتخابی، نرگس. (۱۳۹۰). فرهنگ معاصر هزاره. تهران: مؤسسه فرهنگ معاصر.
- داودی، احمد. (۱۳۸۰). «توسعه منابع انسانی و نظام اداری». مجموعه مقالات همایش توسعه نظام اداری. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه امام علی (ع). قم: مشهور.
- دیالمه، نیکو؛ برادران حقیر، مریم. (۱۳۸۹). «مفهوم رشد و توسعه انسانی از دیدگاه غرب». پژوهش‌های علم و دین، ۲، ۶۱-۶۴.
- دینی، علی. (۱۳۷۰). «تفاوت کیفی مفهوم رشد و توسعه». تهران: توسعه.
- رقیبی، المیرا. (۱۳۹۸). عناصر مدیریت جهادی و نقش آن در دولت‌سازی از منظر قرآن و نهج البلاغه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- رنانی، محسن؛ مه‌آبادی، مریم. (۱۳۷۹). «تأثیر نابرابری و فقر بر کارایی سیاست‌های کلان اقتصادی». در: رئیس دانا، فریبرز؛ شادی طلب، ژاله؛ پیران، پرویز (ویراستاران)، مجموعه مقالات فقر در ایران. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- سالاریه، احمد. (۱۳۸۹). الگوی احسن. تهران: ناجی.
- سوری، علی؛ کیهانی حکمت، رضا. (۱۳۸۲). «متغیرهای جمعیتی، اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران». پژوهش‌های اقتصادی، ۹ و ۱۰، ۵۳-۷۵.

- سیف‌اللهی، سیف‌الله. (۱۳۷۰). «در تبیین پدیده توسعه و توسعه‌نیافتگی». علوم اجتماعی، ۱ و ۲، ۳۱-۵۴.
- شمس اردکانی، محمدرضا. (۱۳۸۴). «صرفه‌جویی در منابع مالی». در: مجموعه مقالات روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی. تهران: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
- صدریه، عبدالرحمن. (۱۳۷۰). «رشد اقتصادی یک الزام است». تهران: توسعه.
- طالب‌تاش، عبدالمجید. (۱۳۸۸). «الگوی مصرف در آموزه‌های قرآن کریم». تهران: جهاد دانشگاهی.
- طیبه شیبستری، سیداحمد. (۱۳۴۲). «فقر از نظر اسلام». تهران: شرکت انتشار.
- عنبری، موسی. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ. تهران: سمت.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قلی‌پور، آرین. (۱۳۹۰). مدیریت منابع انسانی (مفاهیم، تئوری‌ها و کاربردها). تهران: سمت.
- قوام، سیدعبدالعلی. (۱۳۷۴). نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کاردان، علی‌محمد. (۱۳۸۴). «فرهنگ پیشگیری از اتلاف منابع ملی و راه‌های ایجاد آن». در: مجموعه مقالات روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی. تهران: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
- کاسادوفسکی، میشل. (۱۳۸۶). جهانی‌سازی فقر و نظم نوین جهانی (ترجمه محمد روحانی). قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
- کریمی‌پتانلار، سعید؛ نادمی، یونس؛ زیبیری، هدی. (۱۳۹۴). «اندازه دولت و بیکاری اقتصاد در ایران». پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۸، ۵۱-۶۴.
- گللابی، سیاوش. (۱۳۷۰). «نگرشی جامع و نظام‌گرا به امر تحقیق و توسعه». تهران: توسعه.
- گلدین، یان. (۱۳۹۸). درآمدی بر توسعه اقتصادی (ترجمه لطفعلی عاقلی و نادر مهرگان). تهران: نورعلم.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۴). «اتلاف منابع ثروت ملی از دیدگاه نظام پویای حقوق اسلامی». در: مجموعه مقالات روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی. تهران: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن ناطق. تهران: مشعر.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۵). آموزش عقاید. بی‌جا: سازمان تبلیغات اسلامی.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۹۰). علوم قرآنی. تهران: سمت.
- معین، محمد. (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملک‌آسا، کریم. (۱۳۶۹). «نقش اشتغال در فقرزدایی». اولین سمینار فقرزدایی. تهران: روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور.
- موتقی، سیداحمد. (۱۳۹۱). نوسازی و توسعه سیاسی. تهران: میزان.
- مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. (۱۳۹۰). رویکردی نوین در محاسبه فقر. تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- موسوی‌لاری، سیدمجتبی. (۱۳۸۷). مبانی اعتقادات در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نادعلی، فاطمه. (۱۳۹۶). «بررسی راهکارهای قرآن برای رونق و پیشرفت تولید و اشتغال». کوثر، ۵۹، ۸۳-۹۶.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.



صاحب، اسماعيل بن عباد. (١٤١٤ق). المحيط في اللغة. بيروت: عالم الكتب.
طباطبائي، سيد محمد حسين. (١٤١٧ق). الميزان في تفسير القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه
مدرسين حوزه علميه قم.
فرايدي، خليل بن احمد. (١٤٠٩ق). العين. قم: هجرت.